



زیبایی یافتن تاریخچه برای بعضی موضوعات کار آسانی نیست. وقتی قرار باشد درباره یک واقعه تاریخی یا یک ساختمان بنویسیم، شاید بسیار راحت تر بتوانیم به اطلاعات آن دست پیدا کنیم، ولی وقتی قرار است از شروع یک اتفاق کوچک یا یک جریان جزئی پرده برداریم، مسئله به همین راحتی نیست و یافتن سرخ ها و متصل کردن آن ها به یکدیگر و رسیدن در یک روایت منسجم، ممکن است هیچ وقت به نتیجه نرسد. گاهی این اتفاق کوچک یک جریان در شهر به راه می انداخته ولی متأسفانه از مواجه مردم با آن نیز خبری به ما نرسیده است. این را گفتیم تا درباره یکی از این اتفاقات کوچک بنویسیم.
قرار است درباره نخستین باری که مردم مشهد اظهارنامه مالیاتی برای خودرو پر کردند، حرف بنزیم که هیچ اطلاعاتی درباره آن نیست. جست وجودر سایت ها، ما را با چگونگی پر کردن اظهارنامه و پرداخت آن آشنا می کند، ولی نمی تواند از تاریخچه شروع آن درباره خودرو آن هم در یک شهر خاص مانند مشهد حرفی بزند. گاهی این اطلاعات در طول زمان گم می شوند و هرگز درباره آن نکته ای به ما نمی رسد. گاهی هم جست وجوها تمریش است و می توانیم درباره آن، اطلاعات مختصری فراهم کنیم. درباره پر کردن اظهارنامه خودرو نیز می توان ردپای این ماجرا را در مطبوعات آن زمان یافت که در سطرهای پیش رو از آن خواهیم نوشت.

● ۸۰ سال گذشت

خاتمی، رئیس دارایی شهرستان مشهد، اطلاعیه ای به روزنامه می دهد تا دارندگان اتومبیل سواری در این شهر را مکلف به ارائه اظهارنامه کند. این اتفاق در ۶ تیر سال ۱۳۲۲ می افتد و روزنامه آزادی یک آگهی را به چاپ می رساند که طبق آیین نامه رئیس کل دارایی و به استناد قانون سیزدهم، اردیبهشت جاری خودرو داران موظف می شوند دارایی خودرویی خود را به این اداره اطلاع دهند. طبق بند الف این آگهی، هریک از دارندگان اتومبیل سواری، اعم از شخصی یا دولتی، به استثنای اتومبیل های ارتش دولت شاهنشاهی ایران و مقامات خارجی که فعلا در ایران می باشند، مکلفند اظهارنامه شامل اطلاعات خود را در سه نسخه تهیه و تا آخر ساعت اداری روز ششم تیرماه جاری به دفتر رئیس دارایی مشهد تسلیم کنند.

این اطلاعات شامل نام و نام خانوادگی صاحب اتومبیل یا نام و نام خانوادگی کارمند دولت و وزارت خانه یا اداره مربوط، نشانی محل سکونت، نشانی محل کار، شغل یا حرفه، نوع اتومبیل، مدل و سال ساخت اتومبیل، ساخت کارخانه، شماره کارخانه و اتاق اتومبیل، میزان مصرف هفتگی بنزین، اتومبیل های دیگری که متعلق به صاحب اتومبیل مورد بحث اظهارنامه است، یا ذکر شماره شهرداری و تسلیم اظهارنامه جداگانه برای هر کدام مطابق دستور، شماره شهرداری اتومبیل و محل صدور نمره، اندازه و علامت لاستیک ها، دفعات مسافرت های ماهیانه یا تعیین مسافت هر مسافرت به کیلومتر و منظور از مسافرت بود.

● دریافت پروانه خودرو در ازای اظهارنامه

وقتی اظهارنامه بر مبنای اطلاعات درخواستی نوشته شد و به اداره دارایی مشهد رسید، آن ها پروانه به کار انداختن اتومبیل را صادر می کنند و این کارت را به صاحب اتومبیل می دهند؛ کارتی شبیه برچسب های امروزی که باید در قسمت پایین گوشه راست شیشه اتومبیلشان نصب می کردند تا در معرض دید عموم باشد. هر ماشینی که در خیابان بدون این پروانه بود، شامل محدودیت تردد می شد و از ساعت ۵ عصر روز سیزدهم تیرماه سال ۱۳۲۲ هیچ اتومبیلی نمی توانست بدون نصب پروانه در خیابان ها حرکت کند، البته محدودیت ها به اینجا خلاصه نمی شد و صاحب اتومبیل های بدون پروانه، نمی توانستند بنزین دریافت کنند و حتی لوازم یدکی بخزند یا لاستیک خودرویشان را عوض کنند. این قوانین سفت وسخت به این دلیل بود که همه اتومبیل داران را مجبور کند اظهارنامه پر کنند. وقتی یک راننده خودرو نتواند برای اتومبیلش، بنزین تهیه و خرابی ماشینش را برطرف کند، خوروش به زودی از کار می افتد و بودنود یک می کی شود. تنها کسانی که از این قاعده مستثنا شده بودند، دارندگان خودروهای ارتش و مقامات خارجی ای بودند که در کشور ایران حضور داشتند. این افراد از اداره دارایی پروانه دریافت می کردند، ولی مکلف به تنظیم اظهارنامه نبودند. با وضع این بند آخر همه خودروهای شهر داری پروانه بودند و دیگر خودروها نمی توانستند بدون مجوز در شهر تردد کنند.

● خودرو داران چه کردند؟



شاید با دانستن تاریخ این قانون، خیلی راحت از کنار آن عبور کنید، ولی باید بدانید هرکدام از این اتفاقات تاریخی در زمان خودش می توانست سلسله ای از جزئیات وقایع را به دل شهر تزریق کند. تصور کنید در سال ۱۳۲۲ مردم شهر که تاکنون بی قاعده در آن آمدورفت می کردند، برای نخستین بار ناگزیر می شوند برای خودرویشان اظهارنامه بنویسند. احتمالا تا مدت ها این ماجرا نقل محفل ماشین داران که آن زمان محدود به افرادی خاص می شدند، بوده و ترسی از این باب به دلشان افتاده بوده است. مقاومت کردن در برابر قانون تازه، احتمالا گام بعدی بوده و شهر گمانه زنی هایی شده است و ماشین داران چه گفت وگو هایی کرده اند و چه راه هایی را برای فرار از اظهارنامه پشت سر گذاشته اند، قسمتی از ماجراست که شاید هرگز درباره آن نتوانیم مستنداتی را بیابیم، ولی اگر خوش شانس باشیم و بتوانیم فردی را پیدا کنیم که سال ۲۲ خودرو داشته و مجبور شده است این اظهارنامه را به اتاق رئیس اداره دارایی ببرد، احتمالا حرف های شنیدنی و جالبی را از زبانش خواهیم شنید.

به بهانه انتشار تصویری کمتر دیده شده از مقابل بیت آیت... سیدعبداء... شیرازی

پناهگاه انقلابی های مشهد



سنگین و راهبردی را در برابر نهضت اسلامی عهده دار بود، آن گونه که بعد از وقایع ۱۷ شهریور و اوج گرفتن مبارزات مردمی در مشهد، مأموران ساواک در ۲۴ مهر ۱۳۵۷ بیت ایشان را محاصره کردند و مانع رفت و آمد در آن شدند. تصویر امروز، عکسی کمتر دیده شده از مقابل بیت آیت... العظمی سیدعبداء... شیرازی در بالاخیابان است که در بهمن ۱۳۵۷ گرفته شده است. خیل علاقه مندان که از خبر بازگشت

سنگین و راهبردی را در برابر نهضت اسلامی عهده دار بود، آن گونه که بعد از وقایع ۱۷ شهریور و اوج گرفتن مبارزات مردمی در مشهد، مأموران ساواک در ۲۴ مهر ۱۳۵۷ بیت ایشان را محاصره کردند و مانع رفت و آمد در آن شدند. تصویر امروز، عکسی کمتر دیده شده از مقابل بیت آیت... العظمی سیدعبداء... شیرازی در بالاخیابان است که در بهمن ۱۳۵۷ گرفته شده است. خیل علاقه مندان که از خبر بازگشت

کمیته‌ای ۸۰سال پیش در مشهد تأسیس شد تا به آسیب‌دیده‌های جنگ جهانی دوم کمک کند

جمع‌آوری اعانه برای شوروی!



تصویری از آسیب دیدگان جنگ جهانی دوم در شوروی سابق

زیبایی جنگ جهانی دوم فاصله‌ای هشتاد و چندساله با ما دارد. برای مشهدی‌ها این جنگ از شهریور سال ۱۳۲۰ جلوه‌روشنی پیدا کرد. در این تاریخ، روس‌ها مشهد را اشغال کردند و تا سال ۱۳۲۵ در آن ماندند. بحران تأمین آذوقه شهر و افزایش قیمت‌ها، یکی از پدیده‌هایی بود که مشهدی‌ها با آن دست و پنجه نرم می‌کردند. مشهد این سال‌ها یک شهر نگران است که هراس گرسنگی و قحطی را دارد. در این روزگار، مسئولان بالادستی تصمیم می‌گیرند در این شهر برهیا هو و پرنرس، یک نمایش خیرخواهانه برای کمک به آسیب دیدگان شوروی از جنگ راه بیندازند. در این نمایش به کارگردانی مسئولان شهر، کمیته‌ای تشکیل می‌شود و برای آوارگان شوروی کمک جمع می‌کنند. خواندن این گزارش کوتاه، ما را با ابعاد این اتفاق که در هشتاد سال پیش افتاده است، آشنا می‌کند.

دستور از تهران می‌رسد

نخستین خبری که درباره تشکیل کمیته اعانه شوروی در مشهد منتشر می‌شود، مربوط به تاریخ ۷ آبان سال ۱۳۲۲ است. برای این منظور، دعوت‌نامه‌هایی برای بزرگان و منتقدان شهر فرستاده می‌شود تا آن‌ها را برای این مجلس دعوت کند. در سومین روز از آبان، نمایندگان مجلس و رؤسای ادارات و محترمان شهر در اتاق بازگانی دورهم جمع می‌شوند، البته ترکیب میهمانان نشست، نشان می‌دهد که این کمیته بیشتر برای مسئولان است تا مردم. استاندار خراسان با سخنرانی خود، جلسه را شروع و به هدف تشکیل انجمن یادشده اشاره می‌کند؛ «چنان‌که در دعوت‌نامه آقایان اشاره شده است، مقصود از تشکیل این انجمن، جلب توجه به یک وظیفه و جدانی و همدردی نوعی است و ان، عبارت از بذل کمک نسبت به خانواده‌های آسیب دیده شوروی می‌باشد».

چند ماه پیش از تشکیل انجمن در مشهد، تشکل دیگری در تهران به همین منظور پا گرفته بود. دستور تشکیل انجمن مشهد نیز از تهران می‌رسد و برای شروع آن، ۲۰ هزار ریال اعانه می‌فرستند. انتخاب هیئت مدیره و مدیرعامل این بنگاه، نخستین کاری است که در این جلسه انجام می‌شود. رئیس گمگرم مشهد، شهردار شهر، رئیس بانک سپه، رئیس بانک ملی، رئیس انجمن شهرداری و چند تن دیگر، هیئت مدیره این انجمن را شکل می‌دهند و علی درودی به عنوان رئیس آن انتخاب می‌شود. در پایان جلسه نخست نیز مبالغی از بزرگان شهر دریافت می‌شود تا کار این صندوق شروع شود. افراد دارای جایگاه سیاسی و اقتصادی مانند تیمورتاش، امیر تیمور، اقبال، افراد تربیتی و کوزه‌کنانی در کنار شخصیت‌های فرهنگی و علمی مانند دکتر فاضل، دکتر افتخاری، آقای فیوضات، دکتر قوام، دکتر سامی‌راد و دکتر حجازی در این جلسه کنار هم می‌نشینند و در آخر به صندوق کمک می‌کنند.

چاپ اسامی در روزنامه‌ها و پایان کار

در آگهی بعدی، جمع تعهدات در مشهد بالغ بر ۶۷۰ هزار و ۷۰۷ ریال ذکر می‌شود و از این مبلغ حدود ۷ هزار و ۱۵۲ ریال هزینه چاپ مطبوعات و نمایش شده و بقیه آن به مبلغ ۶۶۳ هزار و ۵۴۰ ریال تحویل داده شده است. تاخردی از شهرستان‌های بیرجند، سرخس، نیشابور، بجنورد، تربت حیدریه، کاشمر، گناباد، سبزوار، درجن، باجگیران و قوچان، مبالغی جمع‌آوری می‌شود که فهرست آن در روزنامه آزادی به چاپ می‌رسد. در آن زمان، مجموعه کمک‌های کمیته به آسیب دیدگان شوروی، حدود یک میلیون و ۷۹۰ هزار و ۴۷۰ ریال است. آگهی دیگری در چند قسمت در این روزنامه به چاپ می‌رسد که فهرست اعانه‌دهندگان

به خانواده‌های آسیب دیده شوروی را در چند قسمت منتشر می‌کند. حضور مسئولان و تاجران شهر در این فهرست، بزرگ است و وجود نام‌هایی مانند کارمندان اداره بهداری، کارمندان دارایی، اداره دام‌پزشکی، کارمندان انحصار تریاک و انبار غله، نشان از سازمانی بودن این نوع کمک‌ها دارد. چاپ این اسامی در روزنامه‌های آن زمان به نوعی تبلیغ برای اشخاص بوده است و هرکدام از بزرگان شهر سعی می‌کردند از این قافله عقب‌نمانند و نام آن‌ها در کنار دیگر سرشناسان شهر قرار بگیرد. به نظر می‌رسد با چاپ این فهرست در روزنامه، کار کمیته یادشده پایان می‌گیرد و دیگر خبری از آن نمی‌توان یافت.